

Georges Balandier

استاد دانشگاه پاریس
(سوربن)

حشمت‌الله طبیبی

استادیار گروه علوم اجتماعی

مفهوم فرهنگ و انتقادات آن

Le concept de culture et
ses critiques

مفهوم فرهنگ در دانش مردم‌شناسی و انسان‌شناسی نخستین بار در انگلستان بکار رفته و ادوارد تیلور (۲) آن را برای اولین بار در تألیف خود بنام « فرهنگ ابتدائی » (۳) که در سال ۱۸۷۱ منتشر شده توصیف کرده است. از آن پس این مفهوم

۱ این مقاله در مجموعه‌ای زیر نظر جامعه‌شناس فقید فرانسه ژرژ گورویچ تحت عنوان

Traité de sociologie , publié par G. Gurvitch . T.I, P.U.F .

Paris 1967 . PP. 103 - 105 . به چاپ رسیده است .

۲ - Edward Burnet Tylor (۱۸۳۲-۱۹۱۷) انسان‌شناس نامی انگلیسی

که در تاریخ مردم‌شناسی اجتماعی و فرهنگی مقامی ارزنده دارد ، اولین کسی است که مردم‌شناسی اجتماعی و فرهنگی را بصورت علمی درآورد ، تیلور قبل از هر چیز سعی کرد برای لفظ فرهنگ معنی مشخصی وضع نماید . بعقیده او « فرهنگ یا تمدن عبارت از آن کل‌مرکبی است که شامل دانش ، معتقدات ، هنر ، اخلاقیات ، قانون یارسم و هرگونه استعدادهای و عادات دیگری میشود که آدمی بمنوان یکی از اعضاء جامعه کسب میکند » . م

Primitve Culture -۳

را بیشتر انسان شناسان آمریکائی بکار برده‌اند (۱).

این نظریه « یعنی اختصاص مفهوم فرهنگ به همه عقاید و آداب و رسوم و استعدادها و مهارت‌هایی که انسان در جامعه کسب میکند » در آغاز از تضاد بین طبیعت « Nature » و فرهنگ « Culture » که امروز کهنه و قدیمی شده است، سرچشمه میگرفت و به مجموعه‌ای از وجوه مباینست که بین انسان و حیوان وجود دارد می‌پیوست (۲).

این نظریه، انسان را با تحولات و پیشرفت‌هایی که در زمینه فنون و ساخته‌های مادی یا غیر مادی دارد یا بهتر بگوئیم « انسان و آثار او » (۳) را که عنوان کتابی است از هر سکویت (۴) مورد توجه قرار میدهد و بر این اساس است که

۱- از انسان شناسان آمریکائی لوئیس هنری مورگان Louis Henri Morgan
مارگارت مید Margaret Mead (۱۹۰۱) ، روت بندیک Ruth Benedict
(۱۸۸۷-۱۹۵۱)، رابرت ردفیلد Robert Redfield (۱۸۹۷-۱۹۵۷)، رالف لینتون
R . Linton (۱۸۹۳ - ۱۹۵۳) وعده دیگر به مفهوم فرهنگ بیشتر توجه نموده
و آن را عبارت از « شیوه خاص زندگی قومی، میدانند . م

۲ - جامعه شناسان در بحث از جوامع انسانی و جوامع حیوانی به وجوه مابینت انسان و حیوان نیز اشاره کرده میگویند : نوع انسان دارای بعض صفات و خصوصیات است که یا حیوانات از آنها بی بهره‌اند و یا بصورت خیلی ضعیف در نزد بعض از انواع حیوان مشاهده میشوند مانند : اجتماعی بودن ، هو شمندی ، سخن گفتن ، ابزار ساز بودن ، دانائی تربیت پذیری ، زیبا دوستی و جمال پرستی ، نوآوری و نو دوستی ، دورنگری ، مقاوم بودن در برابر قوای طبیعی یعنی بهره‌مندی از علم تدبیر جنگ با طبیعت و بالاخره قدرت سازندگی و سازگاری و انطباق نوع انسان به محیط طبیعی . م

۳- L'homme et ses oeuvres فرانسوی یا Man and his works انگلیسی

۴- Melville-Jacobs Herskovits مردم شناس آمریکائی (۱۸۹۵-۱۹۶۳)

گفته میشود «فرهنگ نمودار فعالیت انسانهای زنده در جامعه است، سرمایه‌های در عین حال مادی و ایدئالی» .

پدیده‌های فرهنگی، بعلاستقلال ظاهریشان درمقابل قوانین زیست‌شناسی و روانشناسی، بعنوان وابسته به قلمرو مسائل «مافوق‌آلی» معرفی شده‌اند. این نظریه را کروبر با مشاهده پدیده‌های طبیعی که به سه گروه مشخص تقسیم میشوند داده است (۱) .

این سه گروه به ترتیب عبارت‌اند از :

الف - قلمرو غیر آلی که در آن علوم شیمی و فیزیک می‌توانند ماده و انرژی را مطالعه کنند .

ب- قلمرو آلی که در آن زیست‌شناسی و روان‌شناسی، اعصاب زنده و چگونگی رفتارشان را مورد مطالعه و مشاهده قرار میدهند .

ج- قلمرو مافوق آلی که در آن علوم اجتماعی میبایست پدیده‌های فرهنگی و تاریخی را در نظر بگیرند .

این سه مرحله که به ترتیب پیچیدگی و تصاعدی رده‌بندی شده‌اند، بین خودشان روابطی ناگسستنی دارند. ولی از نظر شناسائی هر کدام از آنها خواهان فعالیت علمی گوناگونی است. در این میان فقط قلمرو مافوق آلی مشخص کننده انسان است. و بقراری که توصیف شد تنها این مرحله است که خلاق فرهنگ و سازنده تاریخ است، دوجهی که بنحو خطرناکی وسیله بعضی از انسان شناسان معاصر از هم جدا شده‌اند .

تاکنون از فرهنگ تعریفی که بتواند نظر همه را بدون اکراه به سوی خود جلب کند بعمل نیامده و عقیده‌ای نیز در این خصوص ابراز نشده است. حال آنکه تا امروز لااقل دو یست و پنج‌جاه تعریف برای آن پیشنهاد شده است. (۱) برخی از این تعاریف که زیاد هم نیستند، خصوصیتی مادی را بیان میکنند (۲).

- ۱- با اینکه برای فرهنگ تعاریف زیادی اقامه شده است، ولی انسان‌شناسان آمریکایی بیشتر آراء هر سکویت را در باره فرهنگ باین شرح پذیرفته اند:
 - فرهنگ يك امر اکتسابی است.
 - فرهنگ عوامل طبیعی و روان‌شناسی و تاریخی زندگی انسان را در بردارد.
 - هر فرهنگی دارای مشخصاتی است که مربوط به ترکیب و ساختمان جامعه است.
 - فرهنگ دارای جنبه‌های متعدد است.
 - فرهنگ در طول زمان تغییر می‌یابد.
 - در دنیا فرهنگهای مختلف وجود دارد.
- هر فرهنگی دارای قواعد و اصولی است که مطالعه علمی در آنها عملی و میسر است.
- فرهنگ يك وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی و در عین حال وسیله‌ای برای ظهور مقدرات خلاق اوست.

و بالاخره هیچ قوم و ملتی را نمی‌توان بی‌تمدن یا وحشی خواند، زیرا قدرت ابداع و ابتکار در کلیه اقوام موجود است. (علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن از دکتر احسان نراقی)

به نقل از: Herskovits . Man and his work , New York 1948

- ۲- منظور و مقصود از خصوصیت مادی که در تعریف فرهنگ بآن اشاره شده مجموعه اشیاء و ابزارهایی است که فرهنگ مادی «matrial culture» را تشکیل می‌دهند مانند همه اشیاء و آلات و ادواتی که وسیله پیشینیان (اعضای پیشین جامعه) ساخته و پرداخته شده و برای نسلهای بعد بارش مانده است و در هر عصر و زمانی اعضای جامعه در شئون مادی زندگی اجتماعی خود از آنها بهره میگیرند. م

مثلا وایت از کسانی است که چنین عقیده‌ای دارد . (۱) وی حد گسترش فرهنگ را متناسب با مقدار نیروئی میداننده جامعه در اختیار دارد ، عبارت دیگر تحول فرهنگ بسته به افزایش مصرف منابع انرژی است . (۲)

تعاریف دیگری که در حدود سال ۱۹۳۰ از فرهنگ شده اندیشه « روان شناسانه » انسان شناسی آمریکائی را نشان میدهد . از این گونه است اهمیت فوق‌العاده‌ای که این دسته از انسان شناسان برای روابط « فرد و اجتماع » و « شخصیت » و « فرهنگ » قائل شده‌اند .

وایت که بر چنین نظریاتی انتقادات سختی نموده ، عقیده دارد این نظریات « تفسیری است از مفهوم فرهنگ که از دید روان شناسی و روان کاوی (۳) بعمل آمده که با توجه به روش ایده‌آلیسم قدیمی (۴) دوباره اصطلاح تازه‌ای برای خود برگزیده است » (۵) .

این گرایشهای جدید با وجودیکه حکم بدعت و عقیده‌ای باطل در مقابل مشربیی را دارند که توسط مؤسسين انسان شناسی فرهنگسی (کروبر ، بوآس ، ویزلر) پایه‌گذاری شده است (۶) ، با اینحال با جانب داری محققى بلند پایه چون ادوارد

۱ - L. White . Energy and the Evolution of culture ,

American Anthropologist . July - Sept . 1943 .

۲ - منظور « وایت » مجموعه فعالیتهائی است که اعضای جامعه در جهت گسترش فرهنگ جامعه خود دارند . م

۳ - Psychologique et psychiantrique

۴ - روش ایده‌آلیسم قدیمی عبارت از تصویری است که قدا از جامعه و فرهنگ داشته‌اند مانند

تصور جامعه ایده‌آل یا مدینه فاصله . م

۵ - L. White, La théorie de 'l ethnologie aux Etats- Unis , --
in la revue internationale , 22 avril - Juin 1950

۶ - Clark Wissler (۱۸۸۴-۱۹۴۷) Franz -- Boas (۱۸۵۸-۱۹۴۲) --
Alfred Louis Kroeber (۱۸۷۶-۱۹۶۰)

ساپیر (۱) از آن، مفهوم فرهنگ توانست موقعیت خود را ثابت نگه‌دارد. این محقق در سال ۱۹۲۸ نشان داد که مفهوم فرهنگ بمعنای پذیرفته شده و رسمی‌اش نوعی مجموعه مختلف‌الجنس از محصول فعالیت انسان‌های زنده در جامعه است.

وی با اینکه فرهنگ را همچون نظامی از مجموعه رفتارهای آدمی، یعنی نظامی که چگونگی ساخت و بوجود آمدنش تا حدود زیادی غیر ارادی است و به افراد تحمیل می‌گردد در نظر می‌گیرد، در عین حال آن را بعنوان سیستم ارتباطی مابین افراد نیز مشاهده می‌کند. این چنین جانب داری از نظر و منافع انسان‌شناسان می‌بایست از طرفی به کارهای روان‌شناسان کمک‌کند و از سوی دیگر به تحقیقات زبان‌شناسان، تا آنجا که زبان بمنزله یکی از وسایل ارتباطی بشمار می‌آید (۲). در واقع این دو موضوع (یعنی موضوعات روان‌شناسی و زبان‌شناسی) دو قلمرو مطالعه‌اند که طی سی سال گذشته از کشفیات فراوانی بهره‌مند گشته و به قلمرو انسان‌شناسی فرهنگی بارو حیه قدیمی «سنتی» اضافه شده‌اند. بنحوی که امروزه میتوان در چهار چوب پژوهشهای انسان‌شناسی سه کانون اصلی و سودمند تشخیص داد.

این سه کانون به ترتیب عبارتند از:

الف - تاریخ فرهنگ (مخصوصاً درسنت بوآس و کروبر).

۱ - Edward Sapir (۱۸۸۴ - ۱۹۳۹) زبان‌شناس و مردم‌شناس آمریکایی.

۲ - در بحث از وسایل ارتباط جمعی، ارتباط لغوی و زبانی یکی از وسیله‌های اولیه اصلی رابطه بین فرد با افراد و فرد با جامعه است؛ بویژه زبان که از دیرباز بعنوان مؤثرترین و مهمترین وسیله برقراری و ایجاد ارتباط جمعی شناخته شده و یکی از طرق بیان و نشر افکار و عقاید بشمار میرود. م. برای آگاهی از جوه گوناگون ارتباط جمعی رجوع شود به ارتباط جمعی و رشد ملی، ترجمه و تألیف ابراهیم رشیدپور - نشریه موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

- ب - روابط آن با شخصیت (جهتی که سایر بآن توجه دارد).
- ج - بازگشت به نظریات جدید ارتباطات (با ارزشی که بعضی از تحقیقات لوی استراوس (۱) بآن داده است) .
- با اینحال مفهوم فرهنگ بازهم دویپلو و مشکوک باقی میماند . تعاریفی که غالباً از فرهنگ میشود نشان دهنده این مدعاست که فرهنگها همانند مفهومی ذهنی ، همانند دنیای ساخته شده‌ای برای تحلیل احتیاجات انسان شناسی اند .
- ر - لینتون باین مسئله اشاره میکند : « ترکیب و ساخت جامعه و هرچه که در آن هست، حتی وجود فرهنگها، جز از مجموعه رفتارهای انسان که این فرهنگها را بوجود میآورند، نمی توانند نتیجه گیری شوند. . فرهنگ بخودی خود مستقیماً غیر قابل فهم است ، حتی توسط کسانی که در ساختن آن سهیم و شریک اند » .
- از سوی دیگر ک - کلوک هن (۲) و دبلیو - اچ - کلی (۳) نیز این نظریه را تأیید میکنند : « انسان می تواند افرادی را که جامعه‌ای را میسازند به بیند ، ولی هرگز قادر بدیدن فرهنگ نخواهد بود » (۴) .
- بهمین جهت است که فرهنگ بعنوان مجموعه رفتارهای انسان و ارزشهای

۱ - C . Lévi - Strauss - فیلسوف مردم شناس فرانسوی و از پایه گذاران مکتب اصالت ساخت Structuralisme در علوم اجتماعی و استاد کرسی انسان شناسی اجتماعی در کولژ دو فرانس Collège de France است . م

۲ - Clyde - kay Maben - Kluckhon - (۱۹۰۵ - ۱۹۶۰) مردم شناس آمریکائی .

۳ - W . H . Kelly جامعه شناس آمریکائی .

۴ - The concept of culture , in R. Linton , ed. The Science of Man in the World Crisis . New - York 1945

انسانی در نظر گرفته میشود. بعقیده م. ژ. هر سکویت: « فرهنگ ترکیبی است از اشکال معتقدات و رفتارهای انسان که اجتماع بر آن صحنه گذاشته است و اعضاء یک گروه انسانی آن را پذیرفته اند ».

بنظر لینتون، آنچه که فرهنگ در بردارد، عبارت است از « رفتارهای فراگرفته شده » و « نتایج » آنها.

کارهای اخیر لینتون بویژه کارهای کاردینیه (۱) یکی از بالاترین سطوح این نوع تفسیر و تعبیر از فرهنگ را نشان میدهند، تعبیر و تفسیری که در عین حال مبین تکنیک های جدید است، نظریه ای از واقعیت اجتماعی را نیز عرضه میدارد و به ساختمان نوعی « جامعه شناسی روانی » (۲) بنابر عبارت دوفرن (۳) کمک میکند.

این چنین تجزیه و تحلیلها مخاطراتی در بردارد، در وهله اول خطری که ناشی از دادن اصطلاح خود رایی به سیستم های فرهنگی است، و دیگر تحلیل واقعیت اجتماعی (۴) در واقعیت فرهنگی (۵) است با فراموش کردن روابط پیچیده ای که محافظ این دو نوع پدیده میباشند.

انسان شناس به بهانه تصرف کامل، به علم خود مقام ممتازی میدهد و مدافع امپریالیسم علمی که تاکنون کمتر توجیه شده است میشود. دشواری دیگری نیز وجود دارد که باید از آن یاد کرد این دشواری عبارت است از اینکه آیا تنوع گروهها

Voir en particulier : A . Kardinier . The Individual - ۱
and his Society , New - York 1939

Sociologie Psychologique - ۲

M . Dufrenne , La Personnalité de base : Un concept - ۳
sociologique , Paris , P . U . F . 1953 .

Realité Sociale - ۴

Realité Culturelle - ۵

و خصوصیات اجتماعی، بساوی با تنوع فرهنگها که اغلب وجوه متغیر و متفاوتی را نشان میدهد، مطابقت دارد یا خیر؟

س - ف - نادل (۱) در مطالعه‌ای که بر روی نوباوهای ناحیه کوردوفان (۲) در سودان کرده است به خوبی نشان میدهد که هر گروه که گاهی گروه ساده و بسیار کوچکی است دارای خصوصیات فرهنگی مخصوص به خود میباشد که با تظاهرات روانی اصیل همراه اند. این مسئله بنحو بارزتری در جامعه‌های پیچیده و متشکل بر روی اشلی بسیار بزرگ خود نمائی میکند، جامعه‌هایی که در آنها میانیت شهر و روستا و رقابت گروه‌های اجتماعی و غیره دخالت دارند.

دو فرن با توجه به مفهوم «شخصیت اساسی» که توسط لیتون و کاردینیه بیان شده است، بطور غیرارادی اهمیت و خطر چنین تجربه‌ای را آشکار میسازد، وی با اثبات و تأیید محتاطانه از آن دوری میجوید: «بطور یقین منظور وی انکار موانع و واقعیت گروه‌های اجتماعی نیست، ولی بنظر میرسد اگر نزدیکی و ارتباط مابین طبقات اجتماعی صورت پذیر باشد، چنین واقعیتی بنحو غیر قابل جبرانی فرهنگ همگانی را بشکند» (۳).

بعضی از انسان شناسان آمریکائی کوشیده اند چنین دشواری را با آوردن اصطلاح فرهنگ ابتدا: «Sous-Culture» پشت سر بگذارند. در چنین حالتی تجزیه کردن مفهوم فرهنگ میتواند بنحو اغراق آمیزی گسترش یابد در این

۱ - S.F. Nadel. (۱۹۰۳ - ۱۹۵۷) انسان شناس آلمانی الاصل انگلیسی واز

همکاران مالیئوفسکی و رادکلیف براون انسان شناسان انگلیسی . م

۲ - Nuba du Kordofan قومی که در منطقه نیل علیا در کشور سودان

زندگی میکنند . م

۳ - La personnalité de base : Un concept sociologique

صورت آیا شخص قبول نخواهد کرد که نشان دادن فرهنگ بمنزله سیستم و مفهومی کلی است که اساساً صدمه پذیر میباشد ؟ .

پژوهشهایی که در زمینه انسان شناسی (بمعنای دقیق آن) بعمل آمده، همچنین روشهای جدید تحقیق که بوسیله ملل و اقوام مختلف بعد از جنگ دوم جهانی انجام شده است به انتقاداتی که علیه تعاریف و مفاهیم فرهنگ شده بود قدرت خاصی بخشیده اند .

هارث (۱) در اثری نفیس که به روابط مابین انسان شناسی و جامعه شناسی اختصاص داده است مینویسد :

«اگر بنظر آوریم این بی توجهی نسبت به مفهوم فرهنگ از اعتقاد به نحوه رفتار انسانی سرچشمه میگردد ، باید قبول کنیم که این موضوع می تواند با اصطلاح کنش های متقابل (۲) بهتری ریزی شود ، کنشهای متقابلی که بیشتر مابین اقوام مختلف در نظر گرفته میشوند ، تا مابین اشخاص یا عناصر فرهنگی » . (۳)

نتیجه بدست آمده در مقیاسی که بر اساس آن این تحول بیشتر متضمن نظریه های وضعی است تا نظریه روان شناسی (یا در نظر گرفتن مقالات مربوط به روان کاوی که در مجلات روان شناسی منتشر میشوند) این خواهد بود که توجه مردم شناسان بنحوعجیبی در جهت توصیفات جامعه شناسی رادکلیف براون (۴)

۱ - C . W . M . Hart

۲ - Inter-Action

۳ - C . w . M . Hart . Cultural Anthropology and Socioglogy , in H . Becker and A . Boskoff (ed.) . Modern Sociological Théory , New - York . 1957 .

۴ - Radclif owBnr- انسان شناس انگلیسی (۱۶۵۵ - ۱۸۸۱)

و فونکسیونالیستهای (۱) انگلیسی قرار گیرد .

۱ - **Functionnalistes** طرفداران **Functionnalisme** یعنی مکتب اصالت و وظیفه یا نقش اجتماعی . این مفهوم از نظر جامعه شناسان و مردم شناسان عبارت است از «اعمال و فعالیت‌های اجزاء ساختمان اجتماعی مانند خانواده ، طبقه ، گروه و نهادها که بوسیله کل نظام اجتماعی معین شده است .»

بمقتده رادکلیف برون «فونکسیون یا نقش یک رسم اجتماعی معینی است که رسم مذکور در زندگی اجتماعی، چون مجموعه کارکرد سیستم اجتماعی، سهم است ، بعبارت دیگر زندگی اجتماعی مانند کل یا مجموعه‌ای از کار سیستم اجتماعی است و رسم اجتماعی جزوی است از این کل . این تعریف مستلزم آنستکه سیستم اجتماعی دارای وحدت باشد و ما می‌توانیم این قسم وحدت را وحدت فونکسیون بنامیم، وحدت فونکسیون عبارت از یکپارچگی و تعاون هم‌آهنگ همه عناصر سازنده سیستم اجتماعی، که اختلافات پاینده را کنار میگذارد زیرا که حل آنها ناممکن است .» به نقل از مبانی جامعه شناسی ترجمه باقر پرهام .

مالینوفسکی **B. Malinowski** نیز در بحث از مردم شناسی فرهنگی میگوید :
 « تحلیل فونکسیون فرهنگی بر اساس این اصل نهاده شده است که در هر یک از انواع تمدن و در هر رسم اجتماعی هر عادت ، هر یک از اشیاء مادی ، هر یک از افکار و اعمال و اعتقادات، کاری انجام میدهند که برای جامعه اهمیت حیاتی دارد .»